

دو فصلنامه علمی تاریخ نگاری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۱۳۴-۱۱۵

## نسبت سیره نگاری انتقادی پیامبر اکرم (ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه قاره هند (مطالعه موردی: آرا ابوالاعلی مودودی)<sup>۱</sup>

یوسف حیدر نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

### چکیده

در آغاز قرن بیستم میلادی جامعه علمایی قاره هند شاهد شکل گیری گونه ای نوین از سیره نگاری پیامبر اکرم (ص) بود. از آغاز ورود اسلام تا قرن بیستم میلادی سیره نگاری های انجام شده در شبه قاره هند دارای مؤلفه هایی از جنس تاریخ نگاری توصیفی و روایی بود. با تشکیل جنبش ها و احزاب سیاسی اسلامی توجه آنان به سیره نگاری پیامبر اکرم (ص) موجب ایجاد سبک نوینی در این بخش گردید که می توان عنوان آن را سیره نگاری انتقادی نامید. مهم ترین مؤلفه گونه جدید، ارتباط آن با ایدئولوژی اسلام سیاسی است. ابوالاعلی مودودی به عنوان بانی حزب جماعت اسلامی از مهم ترین سیره نگاران انتقادی شبه قاره هند محسوب می گردد؛ از این رو باید پرسید نسبت سیره نگاری انتقادی پیامبر اکرم (ص) با ایدئولوژی اسلام سیاسی در اندیشه ابوالاعلی مودودی چیست. مدعا با استفاده از تحلیل تاریخی این است که ابوالاعلی مودودی با استفاده از مؤلفه های سه گانه منصب نبوت، مرحله مندی و پیش بینی پذیر دانستن تاریخ بشر در صدد بسط قرائت ایدئولوژیک از سیره پیامبر اکرم (ص) برآمد. دستیابی به این که مودودی سیره نگاری انتقادی را با استفاده از کارکردهای سه گانه اسطوره سازی، مشروعیت بخشی و یکپارچه سازی، زمینه ای برای تحکیم جایگاه ایدئولوژی اسلام سیاسی در پاکستان به کار بست از دستاوردهای پژوهش است.

**کلیدواژه ها:** سیره نگاری انتقادی، تاریخی گری، ایدئولوژی سیاسی، ابوالاعلی مودودی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.48353.1753

۲. دانشجوی دکتری، تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران:  
headarnejad.y@ut.ac.ir

#### مقدمه

شبه‌قاره هند به دلیل وجود گروه‌های گوناگون سیاسی و مذهبی، همواره به‌عنوان جایگاهی زاینده در جهان اسلام مطرح بوده است. از عمده‌ترین این حوزه‌ها، تاریخ‌نگاری است که از آغاز ورود اسلام به شبه‌قاره هند، مراحل گوناگونی را پشت سر نهاده است. ظهور تفکرات اصلاح‌طلبانه سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم میلادی، ارزیابی نوین از تاریخ اسلام را در میان گروه‌های گوناگون در سطح شبه‌قاره هند فراهم نمود.

تاریخ از منظر آنان منبع و مصدر هویت تاریخی بود که در جعل برساخت هویت سیاسی و اجتماعی بدان نیازمند بودند. بدین ترتیب گونه‌ای تاریخ‌نگاری ظهور یافت که کارویژه آن ترویج دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی طبقات خاص بود.

در اواخر قرن نوزدهم و در قرن بیستم میلادی، در میان گروه‌های اسلام‌گرا به‌طریق اولی، توجه بسیاری به سیره‌نگاری پیامبر اکرم (ص) شد. از این منظر دو گونه سیره‌نگاری توصیفی و انتقادی در شبه‌قاره هند قابل تشخیص است: سیره‌نگاری توصیفی، با اتصال به روش‌های مورخان اسلامی عموماً در پی توصیف امر واقع است (ایگرس، ۱۳۹۶: ۳)؛ اما سیره‌نگاری انتقادی دارای ماهیتی کاملاً متفاوت بود. جعل اصطلاح سیره‌نگاری انتقادی از سوی نگارنده، به‌منظور بیان رویکردی در تاریخ‌نویسی به کار رفته است که بیانگر ترکیب دو رویکرد تاریخ‌نویسی کلاسیک اسلامی و مفهوم ایدئولوژی اسلامی بود که از سوی برخی از سرشناس‌ترین سیاست‌مداران شبه‌قاره هند یعنی ابوالاعلی مودودی مورد استفاده قرار گرفت.

ابوالاعلی مودودی بانی نوسلفی‌گری معاصر است که در سال ۱۹۴۱م با تأسیس حزب جماعت اسلامی، اهداف ویژه‌ای را در زمینه احیای دینی دنبال نمود (اسلم سلیمی، ۱۹۹۰: ۷/۱). هدف اصلی جماعت اسلامی براساس تقریر مودودی، تحقق دین و دستیابی به شیوه صحیح زندگی در ابعاد اجتماعی و سیاسی بود. بدین منظور بخش مهمی از عملکرد مودودی صرف تبیین مفهوم دعوت و فراخوان عمومی برای برپایی حاکمیت اسلامی بود (مودودی، ۱۹۹۹: ۱۰).

مودودی در دعوت به ایدئولوژی سیاسی خویش در جهان اسلام از شیوه‌های گوناگونی پیروی نمود که از عمده‌ترین آنان توسل به تاریخ‌نگاری است. شخص مودودی چند کتاب اختصاصی در این باب به نگارش درآورد. در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ میلادی وی دو کتاب عمده تاریخ سلاجقه و تاریخ سیاسی دکن را به رشته تحریر درآورد (ترابی، ۱۴۰۳: ۱۳۲). همچنین ترجمه تاریخ ابن‌خلکان به زبان اردو نشان‌دهنده توجه وی به منابع اصیل تاریخ‌نگاری اسلامی بود (حیدر نژاد، ۱۳۹۹: ۶۰). مودودی در زمینه سیره‌نگاری پیامبر

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۱۷

اکرم(ص) کتابی با عنوان *سیرت سرور عالم* را نگاشت که بیان‌کننده کاربست ایدئولوژی سیاسی وی در نگارش زندگانی پیامبر اکرم(ص) است. از این منظر بسیار مهم و ضروری است تا چارچوب و نسبت میان سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) با ایدئولوژی سیاسی مودودی، سنجش شود.

### پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش چند اثر عمده در میان پایان‌نامه‌ها و مقالات می‌توان در باب سیره‌نگاری شبه‌قاره هند نام برد: اسد عباس‌شاه در رساله دکتری خود با عنوان *روش‌ها و رویکردهای سیره‌نگاری در شبه‌قاره هند در قرن ۱۹ تا ۲۰ میلادی* به موضوع سیره‌نگاری توجه نشان داده است. همچنین مقاله‌ای از همین نویسنده با عنوان «درآمدی بر عوامل تحول روش‌های سیره‌نگاری در شبه‌قاره هند در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی» در ۱۴۰۱ به چاپ رسیده است که در آن به شیوه‌های نگارش و رویکردهای به‌کاررفته در سیره‌نگاری شبه‌قاره هند توجه شده است.

به نظر می‌رسد نویسندگان در دو اثر مذکور به دلیل رویکرد توصیفی چندان توجهی به برآورد نظری سیره‌نگاری شبه‌قاره هند نداشته‌اند. همچنین کتاب ابوالاعلی مودودی در دو اثر فوق مورد بررسی قرار نگرفته که کاستی پژوهش‌های فوق را می‌رساند. تفاوت اساسی مقاله حاضر با پیشینه پژوهش در پرداختن به اثر ابوالاعلی مودودی و توجه به تحلیل مفهوم سیره‌نگاری انتقادی و نسبت آن با ایدئولوژی اسلام سیاسی است.

### چیستی سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم(ص)

به‌منظور شناسایی مفهوم سیره‌نگاری انتقادی در شبه‌قاره هند لازم است، پیشینه رویکردهای سیره‌نگاری در این حوزه، مورد مطالعه قرار داد. از آغاز ورود اسلام به شبه‌قاره هند سیره‌نگاری در سبک‌های گوناگون کلامی (سلیمانی، ۱۹۹۳: ۸۲)، فقهی (کاندهلوی، ۱۹۳۲: ۴۵)، روایی (شکیل، ۱۹۸۸: ۸۳) تولید شد. برخی از نویسندگان پاکستانی سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) در شبه‌قاره هند را به سه دوره تقسیم نموده‌اند: براساس این تقریر، دوران اول از آغاز ورود اسلام تا عصر سر سید احمدخان، دوران دوم از سید احمدخان تا استقلال پاکستان و دوران سوم از استقلال پاکستان تا عصر حاضر را در بر می‌گیرد (الرحمن، ۲۰۱۲: ۶۲).

باین‌همه به نظر می‌رسد از نگاه انتقادی چنین مرحله‌مندی کفایت موضوع را نداشته باشد. به نظر نگارنده به لحاظ رویکرد تحلیلی در سیره‌نگاری شبه‌قاره هند دو گونه از سیره‌نگاری را

می‌توان عنوان نمود: سیره‌نگاری توصیفی که شامل انواعی از رویکردهای گوناگون است و همگی آنان در پی توصیف امر واقع هستند (ایگرس، ۱۳۹۶: ۳)؛ دومین گونه، سیره‌نگاری انتقادی است که یکی از مشخصات بارز آن پایبندی به مفهوم ایدئولوژی است. تشریح سیره‌نگاری توصیفی به دلیل ضیق نوشتار، به مجالی دیگر موکول خواهد شد. لکن چارچوب سیره‌نگاری انتقادی در ذیل توضیح داده خواهد شد.

### ۱. تاریخی‌گری

برای شرح مفهوم سیره‌نگاری انتقادی ضروری است، پیش‌فرض‌های به‌کاررفته توسط مورخان و نویسندگان سیره‌نویس، مورد مطالعه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که به‌عنوان پیش‌فرض در سیره‌نگاری انتقادی مورد استفاده قرار گرفت، تاریخی‌گری است. تعاریف گوناگونی برای تاریخی‌گری ارائه شده است؛ اما تمامی تعاریف سه ویژگی کلی قانونمند بودن تاریخ بشر، شناخت تاریخ به‌عنوان منبع اصیل برای علوم انسانی و مرحله‌مند بودن تاریخ را در خود مستتر دارند.

در نگاه کارل پوپر تاریخی‌گری نحله‌ای است که اعتقاد دارد، با کشف رویدادها و دقت در نتایج آن‌ها می‌توان به خط سیر تاریخ دست یافت. درحقیقت تعریف پوپر ناظر بر دو مفهوم علیت و پیش‌بینی‌پذیر بودن در دانش تاریخ است (Popper, 2002:3) همچنین استنفورد تاریخی‌گری را فهمی دانسته که همه پدیده‌های جامعه انسانی را به شکل تاریخی و در دل تاریخ تفسیر می‌کند (استنفورد، ۱۳۸۶: ۳۹۲).

براین‌اساس تاریخ بشر از الگوی واحدی پیروی می‌کند که قابل پیش‌بینی و دارای مراحل گوناگون براساس مشیتی یکسان است (Gellner, 1964: 144-148)؛ بنابراین تفاوت عمده سیره‌نگاری توصیفی و سیره‌نگاری انتقادی در این واقعیت است که اولی از نگاه مورخانه و دومی از دید یک فیلسوف و متفکر به وقایع می‌نگرد. به‌گونه‌ای آشکارتر، سیره‌نگار انتقادی بیشتر به گذشته عملی عنایت دارد و کمتر متوجه گذشته تاریخی است. منظور از گذشته عملی، گذشته‌ای است که بر وقایع حال و آینده مؤثر باشد (استنفورد، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

بنابراینچه گفته شد، مفهوم تاریخی‌گری در آثار ابوالاعلی مودودی نیز قابل مشاهده است. احتمال می‌رود چنین برداشتی از تاریخ، برآمده از تفکر قرآنی و تحت‌تأثیر آن در آثار مودودی به کار رفته باشد. در آیات متعددی از قرآن کاربست مفهوم عبرت به گذشته عملی اشاره دارد. همچنین بیان سنت‌های الهی در آیات قرآن می‌تواند به شکل قانون‌مندی تاریخ فهم شود. مودودی در تبیین مفهوم عبرت در آغاز تفسیر سوره یوسف معتقد است که هدف از نزول این

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۱۹

سوره، همان‌گونه که در آیات ۳ و ۷ و همچنین ۱۰۲ و ۱۰۳ گفته شده، اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص) است. وی در دو فراز معتقد است، داستان سوره یوسف با هدف قصه‌گویی و تاریخ‌نگاری نیست، بلکه گونه‌ای گذشته‌عملی را بیان می‌کند که پشتوانه نبوت پیامبر اکرم (ص) است (مودودی، بی تا: ۳۷۹/۲-۳۷۸).

از این فراز می‌توان استنباط نمود، از منظر مودودی تاریخ‌نگاری تنها دارای ابعاد توصیفی است، اما شیوه بیان قرآن فراتر از تاریخ‌نگاری و روایتگر عبرت‌گیری و گذشته‌عملی است. جالب‌توجه است که مودودی به پیش‌بینی‌پذیر بودن این روش اشاره نموده و داستان سوره یوسف را یک الگو برای جامعه مکه قلمداد نموده است (همان: ۳۷۸/۲). مودودی در نگاه تاریخی خود به رانکه مورخ آلمانی بی‌شبهت نیست. رانکه در پرداختن به تاریخ از شیوه بی‌طرفانه‌ای دفاع می‌کرد که محصول سیاسی را به نیروی اخلاقی و اندیشه خداوند تعبیر نمود (Ranke, 1973: 119). مودودی نیز بسیار اصرار داشت تا بر بی‌طرفانه و عدالت‌منشانه بودن تاریخ‌ورزی خویش پای فشارد (مودودی، ۱۹۹۶: ۱۸).

## ۲. ایدئولوژی

دومین مفهوم اساسی در مطالعات سیره‌نگاری انتقادی، ایدئولوژی است. ایدئولوژی از اصطلاحات پرکاربرد و دارای تعاریف متضاد است. مهم‌ترین نکته در مورد ایدئولوژی، ربط معنادار آن با اندیشه سیاسی است. اندیشه سیاسی دارای دو مؤلفه اساسی، هدف و ابزارهای رسیدن به آن در حد معقول است (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۶)؛ بنابر تعریف مذکور گرامشی ایدئولوژی را روشی از اندیشه دسترس‌پذیر توده‌ای می‌داند که به‌عنوان انگیزه سیاسی درک می‌گردد (Gramsci, 1995: 55-58).

باین‌همه در نگاه پارسونز ایدئولوژی گونه‌ای از نظام اعتقادی است که با ارائه تفسیر مشترک در میان جامعه هدف، کارکرد تفهیمی پیدا نموده و جهان را ادراک‌پذیر می‌گرداند (نظری، ۱۳۸۹: ۸)، اما مشهورترین گزاره در باب ایدئولوژی را پل ریکور بیان نموده است. وی معتقد است ایدئولوژی منبع اصیل انسان‌ها برای اندیشیدن نیست، بلکه فضا و جهان‌بینی است که در درون آن به اندیشیدن می‌پردازیم (Ricoeur, 1986: 120).

ایدئولوژی از منظر اندیشمندان سیاسی دارای سه کارکرد تحریف واقعیت، مشروعیت‌بخشی سیاسی و یکپارچه‌سازی اجتماعی است (ریکور، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۳). در کارکرد نخست ظاهراً منظور از تحریف واقعیت، مقابله با اسطوره‌سازی و دوری از واقعیت اجتماعی است. از این منظر هر گونه آرمان‌گرایی و اسطوره‌سازی موجب کژتابی در واقعیت اجتماع

۱۲۰ / نسبت سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم (ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه‌قاره هند... / حیدر نژاد

خواهد شد (همان: ۸۹).

کارکرد دوم در استمرار کارکرد نخست و بیانگر نیازمندی ساختارهای سیاسی به کسب مشروعیت است. این نیاز به‌طور فزاینده‌ای نظام‌های سیاسی را به ایجاد مشروعیتی آرمانی و اسطوره‌ای سوق می‌دهد که فراتر از باور واقعی اجتماع هست (Ricoeur, 1986: 8, 77, 120). سومین کارکرد ایدئولوژی به ایجاد هویت و خاطره جمعی مشترک اشاره دارد که عموماً از سوی نظام سیاسی به جامعه القا می‌شود (نظری، ۱۳۸۹: ۱۰).

مودودی به‌عنوان چهره‌ای سیاسی، عمیقاً به ایدئولوژی ایمان داشت و اسلام را دارای گونه‌ای ایدئولوژی سیاسی با مؤلفه‌های ویژه می‌دید. وی در ترسیم مدل حاکمیت اسلامی به حاکمیت ایدئولوژیک معتقد بود؛ چراکه تنها کسانی می‌توانستند در آن قدرت یابند که ساختار حاکمیت را پذیرفته باشند. در این شیوه اقلیت‌های مذهبی و سیاسی، بنا بر تصریح مودودی هیچ‌گونه حق رأی نداشتند و تنها اجازه داشتند به‌عنوان ذمی در محدوده تعیین شده حاکمیت، زندگی نمایند (مودودی، ۱۳۵۲: ۳۸).

حکومت ارائه‌شده توسط مودودی، حاکمیت جهانی است که براساس مصالح و منافع مشترک و اعتقادی و ایدئولوژیک شکل گرفته است (گیلانی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). در این مدل، اعضا جزو یک حزب جهانی و انقلابی (همو، ۱۳۸۸: ۳۰۶) هستند که دارای غایات یکسان، بدون ملیت و حول محور شعار «لا اله الا الله محمد رسول الله» تشکیل شده است (همو، ۱۳۴۴: ۹).

به نظر می‌رسد، مودودی در تبیین ایدئولوژیک سنت نبوی به کارکردهای فهم ایدئولوژی از تاریخ اسلام پایبند بود. وی برای حاکمیت اسلامی مدنظر خویش، به مدلی از خلافت اسلامی از دوره پیامبر اکرم (ص) تا خلافت معاویه نظر داشت. مودودی برای تبیین مدل اسطوره‌ای از واقعیت تاریخی کتاب *خلافت و ملوکیت* را تحریر نمود. از منظر وی دوره پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان گذشته عملی می‌توانست، الگوی آرمان‌شهر اسلامی باشد. با وجود این که در تفکر مودودی، یکسان‌سازی هویتی در سطوح قومیتی مورد تأیید قرار نگرفت، اما علاقه وافر وی به الگوی اسلامی انسان راستین، به شکلی مشروط سطحی از هویت جمعی و یکپارچه‌سازی را به وجود می‌آورد.

ازجمله اصرار بر شعار و اهداف یکسان و ضدیت شدید مودودی با ملی‌گرایی در حقیقت سطوحی از یکسان‌سازی جامعه اسلامی را پذیرا بود. مودودی بر آن بود که عقیده و ایدئولوژی صحیح، هدف صحیح می‌سازد و انسان را در تعادل نگه می‌دارد (مودودی، ۱۳۸۹: ۱۲). کارکرد نهایی ایدئولوژی مطرح‌شده در فهم مودودی، کسب مشروعیت سیاسی از طریق معرفی گذشته عملی تاریخ اولیه اسلام، انتساب حاکمیت به خداوند و گونه‌ای خلافت

همگانی بود. در این رویکرد همگی انسان‌ها به‌عنوان خلیفه الهی بودند؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود که مودودی سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) را ابزاری در جهت کسب قدرت سیاسی می‌دانست. مجموع این عوامل نشان می‌داد که مودودی در تلاش بود تا با معرفی تاریخ صدر اسلام به‌عنوان گذشته عملی و اسطوره اصلی به گونه‌ای مشروعیت سیاسی و هویت جمعی برای تشکیل حاکمیت ایدئولوژیک اسلامی دست یابد.

### ۳. بهره‌گیری از ظرفیت ادبیات اردو

سومین ویژگی سیره‌نگاری انتقادی بهره‌گیری از ظرفیت ادبیات بومی است. در مکتب تاریخی‌گری کلاسیک توجه بسیاری به بهره‌گیری از علم فقه‌اللغه در دستیابی به واقعیت تاریخی شد. این امر بیشتر به مفروضات ضمنی فلسفی و سیاسی و در جهت تبدیل علم تاریخ به پژوهش‌های عینی (بدون داوری ارزشی و حدسیات) مربوط بود (ایگرس، ۱۳۹۶: ۳۳).

شاکله علم فقه‌اللغه به مطالعه زبانی در منابع تاریخی مکتوب ارتباط داشت؛ از این رو فقه‌اللغه ربط معناداری با نقد ادبی، تاریخی و زبان‌شناسی داشت که بر چارچوب ریشه‌شناسی متون، لغات و نسخ خطی استوار بود (Saussure, 2006: 118; Peile, 1880:5).

در این راستا می‌توان در سیره‌نگاری انتقادی نیز علم فقه‌اللغه را مقوم دستیابی مورخ به عینیت تاریخی دانست. با این همه مودودی فقه‌اللغه را قبل از استحکام عینیت تاریخی، در جهت بسط ایدئولوژی سیاسی به کار برد. در این راستا، مودودی دو رویکرد متفاوت را دنبال نمود. در رویکرد نخست به‌منظور بسط دعوت حزبی، جنبش ادبیات اسلامی ایجاد گردید و اصطلاح ادبیات اسلامی باب شد (مودودی، ۱۹۹۰: ۳).

هدف مهم ادبیات اسلامی دعوت مردم به مفاهیم اسلامی و تقویت ایمان آنان بود (همان: ۸-۴). به لحاظ ساختار محتوایی و نگارشی ادبیات اسلامی تلاش‌های گوناگونی در جهت تحول سبک‌های ادبی در زبان اردو انجام داد (عالمی و بابایی، ۱۴۰۰: ۵). در ادبیات اسلامی دو گونه سبک ادبی اقناعی و انگیزشی به کار رفت. در حالی که ادبیات اقناعی روش‌های مستدل را مورد توجه قرار می‌داد، ادبیات انگیزشی متونی را تولید می‌کرد که کاربرت اولیه آن تحریک احساسات و ایجاد شور ایمانی بود (مودودی، ۱۹۹۰: ۸-۴).

یکی از انواع متونی که هر دو بُعد اقناعی و انگیزشی را پشتیبانی می‌کرد، توجه به سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) بود که علاوه بر ابعاد تاریخ‌نگارانه و مستدل، شیوه‌های ادیبانه را نیز در خود جای داد. مودودی در کتاب سیره خود تحت عنوان سیرت سرور عالم دو بعد مذکور را مورد استفاده قرار داد.

۱۲۲ / نسبت سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم(ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه‌قاره هند... / حیدر نژاد

دومین رویکرد، تحقیق در معانی واژگان اصیل قرآنی و مبنا قرار دادن معانی تحقیق‌شده در ایدئولوژی سیاسی بود. مودودی چهار اصطلاح قرآنی دین، اله، رب و عبادت را براساس نگرش خاص تعریف نمود. وی بر آن بود که تعاریف ارائه‌شده، معانی اصیل این لغات در دوران پیامبر اکرم(ص) هستند و تحریف چهار اصطلاح مذکور در عصر ملوکیت و پس از خلفای نخستین رخ داده است (مودودی، ۱۳۸۹: ۵۶).

وی علت این امر را در کاهش زبان‌شناسی اعراب معاصر و اختلاط زبانی رخ داده پس از عصر نزول قرآن می‌داند (همان: ۵۷) وی اله را در معنای فرمانروایی و قدرت (همان: ۸۲)، رب را در معنای سلطه سیاسی (همان: ۱۵۴)، عبادت را به معنی پرستش (همان: ۱۸۱) و دین را به معنای نظام فکری و عملی استعمال نمود (همان: ۱۹۶) معانی چهارگانه فوق نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد الگوی ایدئولوژی سیاسی مودودی ایفا کرد.

#### قرائت ایدئولوژیک در سیره‌نگاری ابوالاعلی مودودی

ابوالاعلی مودودی براساس دیدگاه ایدئولوژی سیاسی خود، اقدام به تأسیس حزب جماعت اسلامی به سال ۱۹۴۱م در شبه‌قاره هند نمود. با وجود فراز و نشیب‌های فراوان، دعوت اسلامی وی در قالب جنبش ادبی در سراسر شبه‌قاره هند طنین‌انداز شد. یکی از موارد کاربردی در جنبش ادب اسلامی، سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) بود. نویسندگان بسیاری در پوشش این جنبش به فعالیت پرداختند. از جمله نعیم صدیقی توانست کتابی با عنوان محسن انسانیت در این زمینه بنگارد.

شخص مودودی نیز کتابی قطور با عنوان سیرت سرور عالم به رشته تحریر درآورد. باتوجه به آنچه در بخش قبل گفته شد، شیوه تاریخ‌نگاری مودودی به رویکردهای ایدئولوژیک اسلامی وابستگی تام داشت. مودودی در کتاب سیرت سرور عالم، نبوت محمدی را دست‌مایه آزمایش فرضیه اقامت دین قرار داده است. وی برای اثبات امکان برپایی حاکمیت جهانی اسلام بر پایه این فرضیه، جلد اول کتاب را به کلیاتی اختصاص داده است که درحقیقت بیانگر نگرش تاریخی و ملاحظات ایدئولوژیک وی است. از این رو می‌بایست با بررسی کتاب وی، مؤلفه‌های این ادعا استخراج شود.

#### ۱. طرح‌واره منصب نبوت

پاگیری نگرش تاریخی مودودی در کتاب سیرت سرور عالم، براساس فهمی از اندیشه فلسفی - عرفانی استوار گشت که منصب نبوت را امری والا و فراتاریخی می‌داند. ظاهراً

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۲۳

درک مودودی از نبوت، مدیون تطور مفهوم حقیقت محمدیه نزد شیوخ صوفیه است. حقیقت محمدیه، همان تعیین اول از ذات الهی است که به معنای جامع صفات خداوند به کار رفته است (کاشی، ۱۳۷۶: ۱۳۱). در چنین فهمی از نبوت، پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان حقیقتی ازلی و ابدی شناخته می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۷۹: ۲۴۸). مودودی این نگرش به پیامبر اکرم (ص) را دست‌مایهٔ بینش تاریخ‌نگارانهٔ خویش قرار داده است. بدین منظور وی در سه جهت منصب نبوت را در طرح بینش تاریخی خویش به کار بسته است.

مودودی در جهت اول منصب نبوت را ذیل حکمت الهی و تکمیل طرح خداوند برای اقامت دین و از نگاهی فراتر برای راهبری تاریخی بشر تعریف کرد (مودودی، ۱۹۸۹: ۴۵/۱-۴۳). وی بخش‌های بسیاری از کتاب خویش را به تبیین این امر اختصاص داد. براساس رویکرد مذکور تاریخ، آغاز و انجام مشخصی دارد و خط سیر اصلی آن مشخص و پیش‌بینی‌پذیر است. خداوند در آغاز تاریخ از بشر، پیمانی مبنی بر پذیرش دعوت انبیای الهی، دریافت نموده است (همان: ۴۳).

باین‌همه، خودمختاری انسان و عرصهٔ آزمایش‌گونهٔ تاریخ، سبب انحرافات از مسیر اصلی و ذاتی نوع بشر گشته و فلسفهٔ ارسال پیامبران متعدد نیز اصلاح مسیر تاریخ است. مودودی برای اثبات این امر به دلایل عقلی و قرآنی استدلال نموده است. وی برای دلایل عقلی اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص) به اصل علیت متوسل شده است؛ لذا مودودی وقایع تاریخی را دارای علت می‌داند (همان: ۴۷-۴۶).

همچنین از منظر وی از آنجایی که بشر به ضروریات زندگی خویش عمدتاً جاهل است، به نیرویی فراتاریخی نیازمند است تا او را هدایت نماید (همان: ۵۳). پیامبر اکرم (ص) در نگاه وی انسانی با استعدادها و غرایز ویژه‌ای است که توانایی دریافت و ابلاغ وحی به دیگر انسان‌ها را دارد. در حقیقت رسولان از منظر وی رهبران هدایت تاریخ بشر، در جهت اغراض و اهداف الهی هستند (همان: ۵۹).

## ۲. مرحله‌مندی تاریخ و ادعای ختم نبوت

جهت دوم طرح جایگاه تاریخی نبی، اصرار بر ختم نبوت و ادعای جاودانگی دین اسلام است. این نکته در میان همگی فرق اسلامی یکسان است، باین‌همه در شبه‌قارهٔ هند به‌سبب وجود مدعیان نبوت، از جمله میرزا غلام احمد قادیانی، طرح آن در سیره‌نگاری پیامبر اکرم (ص) علاوه بر کارکرد ایدئولوژیک، جنبهٔ تاریخ‌نگارانه نیز پیدا نمود. همان‌طور که عنوان شد، اندیشهٔ تاریخی‌گری، سه مشخصهٔ علی‌بودن وقایع تاریخی،

پیش‌بینی‌پذیری وقایع تاریخی و مرحله‌مند نمودن تاریخ را در دستور کار داشت. سیره‌نگاری انتقادی نیز به دلیل تأثیرات اساسی که از تاریخی‌گری پذیرفت، سه شاخصه بالا را دارا بود. در طرح‌واره نبوت، مرحله‌مندی تاریخ از منظر بعثت انبیا مورد سنجش قرار گرفت. از جمله مودودی در کتاب خویش، علاوه بر سیره نبی اکرم(ص) به داستان نبوت انبیای دیگر نیز مفصلاً پرداخت.

عمده مطالب مودودی در این باب گرده‌برداری از داستان‌های منقول از قرآن است؛ از این رو قرآن در تاریخ‌نگاری مودودی به‌عنوان مصدري الهام‌بخش تلقی شد. پرداختن به بعثت هر یک از انبیا در حقیقت بیانگر فهم مرحله‌مندی تاریخ بر اساس نزول امر قدسی در تاریخ بشر است. بر این اساس، مودودی بعثت نبی اکرم(ص) را به‌مثابه دوران پایانی تاریخ تلقی نمود. این بدان معنا بود که تلاش مودودی برای تبیین مفهوم ختم نبوت از منظر تاریخ‌نگاری بیانگر صیانت از مرحله‌مندی تاریخ بشر بود. ظاهراً ادعای نبوت از سوی میرزا غلام احمد قادیانی از منظر تاریخی‌گری مودودی بر هم زنده‌ی مرحله‌مندی تاریخ و چه بسا علیت تاریخی و پیش‌بینی‌پذیری تاریخ بشر بود.

در این نگاه مفهوم جاهلیت نیز کارکردی مشابه داشت. اطلاق عنوان جاهلیت به دوران قبل از بعثت نبی اکرم(ص)، صورت‌بندی نوینی از تاریخ را القا نمود که بیشتر منشأ قرآنی داشت (حیدر نژاد، ۱۴۰۰: ۸۳). جاهلیت به لحاظ تاریخ‌نگاری به عصر فترت رسولان و رواج آیین‌های انحراف‌آمیز و دورانی از شرک و تعالیم شیطانی، بازتاب یافت.

بعثت پیامبر اکرم(ص) به‌منزله ورود به عصر جدید و دوران رشد و بالندگی تاریخ بشر است. در حقیقت سیره‌نگاری پیامبر اکرم(ص) حلقه وصل دوران جاهلیت و عصر آخرالزمانی تلقی شد که از پی پیامبر اکرم(ص) می‌آمد.

### ۳. پیش‌بینی‌پذیری تاریخ

جهت سوم به‌کاررفته در کتاب مودودی بهره‌گیری از مفهوم پیش‌گویی جهت‌دستیابی به طرح پیش‌بینی‌پذیری تاریخ بشر است. طرح پیش‌گویی توسط مودودی در دو جهت کلیت تاریخ بشر و نبوت پیامبر اکرم(ص) بود. منبع اصلی در باب وجود مفهوم پیش‌گویی در تاریخ بشر به متن قرآن و سلسله‌احدثی در باب مسیح موعود مربوط می‌شد. توجه مودودی به ساختار پیش‌گویانه متن قرآن بسیار جالب‌توجه است، چراکه در راستای تأیید‌ای الهی بر سیره عملی پیامبر اکرم(ص) و غلبه دین اسلام بر همه ادیان و فرق است (همان: ۴۲۷).

همچنین برخی از وقایع تاریخی مانند هجرت به مدینه و فتح مکه (همان: ۴۴۲) و شکست

ایران از روم به پیامبر اکرم (ص) ابلاغ گردید (همان: ۴۴۵). مودودی در تأکید بر مسئله پیش‌بینی پذیر بودن تاریخ به گزاره‌های حدیثی و پیش‌گویی‌های آنان در باب تاریخ اسلام نیز استناد جسته است. از جمله حاکمیت طولانی قریش بر سرزمین‌های اسلامی، زوال دولت اسلامی، مهدی موعود، مجددان دینی و روایات مربوط به نزول دوم مسیح (ع) مورد استناد قرار گرفت (همان: ۴۶۰-۴۵۲).

در باب مسیح موعود دغدغه اصلی مودودی اثبات ختم نبوت، در برابر جریان‌های قادیانیه مدعی نبوت در پاکستان است. باین‌همه مودودی از مفهوم مسیح استفاده نموده و با تحلیل روایات آخرالزمانی درصدد اثبات جاودانگی دین اسلام است (همان: ۲۲۵). وی بیان می‌کند، در هیچ‌کدام از روایات نزول مسیح در آخرالزمان، اثبات نمی‌شود که در حال حاضر مسیحی در شکم مادر باشد یا بر فرض مذکور، اثبات نخواهد شد که مسیح به‌عنوان احراز منصب پیامبری و شریعت نوین خواهد آمد (همان: ۲۲۵-۲۲۴).

این مطلب ربط معناداری با طرح پیشینی خداوند برای تاریخ بشر دارد. وی با بیان پیشگویی‌هایی که در باب نبوت حضرت محمد (ص) در کتب *الاولئ* و *کتاب مقدس* شده است، درصدد القای وجود طرح و برنامه الهی برای تاریخ بشر و گونه‌ای پیش‌بینی‌پذیری جلوه‌دادن تاریخ است. منبع اصلی پیشگویی‌های ارائه‌شده در کتاب مودودی *قرآن، تورات و انجیل* است. وی به این بخش از تشبیه در *تورات* استناد جست:

«يَهُوهَ خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از يَهُوه خدای خود مسئلت نموده گفتی: «آواز يَهُوه خدای خود را دیگر نیشنوم و این آتش عظیم را دیگر نبینم مباد بمیرم» و يَهُوه به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند. نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هرآنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت و هرکسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد» (سفر تشبیه، ۱۸: ۱۹-۱۵).

مودودی معتقد است این جمله از *تورات* پیشگویی صریح در باب نبوت محمد (ص) است. استدلال وی آن است که لفظ برادران، بیشتر از آنکه به بنی‌اسرائیل منطبق باشد، به بنی‌اسماعیل و پیامبر اکرم (ص) مربوط است. همچنین بنا بر گفته مودودی، بشارت به خیل عظیمی از پیامبران که بعد از موسی بر بنی‌اسرائیل مبعوث گشته‌اند، لزومی ندارد؛ چراکه در این تطبیق، پیامبر مذکور در *تورات* به موسی (ع) تشبیه شده است؛ بنابراین صاحب‌شریعت بودن از ملزومات این پیش‌گویی است (مودودی، ۱۹۸۹: ۱/ ۱۳۵).

۱۲۶ / نسبت سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم(ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه‌قاره هند... / حیدر نژاد

مودودی در ادامه معتقد است، امر پیشگویی نبی اکرم(ص) در انجیل نیز قابل مشاهده است. براساس اشاره مودودی در زمان ظهور مسیح، بنی اسرائیل منتظر ظهور شخصی غیر از وی بودند که با عناوین ایلیا و پیامبر، شناخته می‌شد (همان: ۱۳۸). در انجیل یوحنا موارد متعددی وجود دارد که مودودی به آن‌ها استناد جسته است. «از پدرم برای شما درخواست کمک خواهم کرد و او یوری دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما می‌ماند» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۱۶-۱۷).

«اما وقتی پدرم روح‌القدس را که همان یاور است به اسم من بفرستد، آن یاور، همه‌چیز را به شما تعلیم می‌دهد و تمام چیزهایی را که به شما گفتم به یادتان می‌آورد» (همان، ۱۴: ۲۶-۲۵).

«من دیگر بیشتر از این با شما صحبت نمی‌کنم، چون حکمران این دنیا در راه است و می‌آید، ولی هیچ تسلطی روی من ندارد» (همان، ۱۴: ۳۰). در این بخش مودودی از رهیافت فیلولوژی استفاده نموده و با استفاده از تطبیق ادبی در زبان‌های سریانی، یونانی و عربی به تفسیری هماهنگ با دیدگاه‌های خود دست یافته است.

وی معتقد است لفظ «paracletus» در انجیل به معنای روح‌القدس نیست و به شخصی خاص اشاره دارد که در تطبیق وی با پیامبر اکرم(ص) یکسان شمرده می‌شد. مودودی با تلفیق و تطبیق این واژه در زبان‌های سریانی بر آن است که واژه مذکور در زبان یونانی به معنای یاور و تسلی‌بخش است که با نقل ابن‌هشام از انجیل یوحنا سازگار است (مودودی، ۱۹۸۹: ۱۴۰/۱-۱۴۲).

ابن‌هشام همین عبارت را با لفظ «مُنْحَمَّنَا» بیان نموده و تأکید نموده، این واژه در زبان سریانی کاربرد داشته است و در زبان رومی برقلیطس با آن هم معنی است (ابن‌هشام، ۱۴۱۰: ۲۶۲/۱). درحقیقت مودودی با استفاده از اثبات پیشگویی‌های انجیل و تورات و تطبیق آن با روایات اسلامی، درصدد ایجاد فهمی خطی و پیش‌رونده در تاریخ بشر است که دارای طرح‌واره‌ای پیچیده از حوادث آخرالزمانی و قریب‌الوقوع است.

در کاربست تاریخ‌نگاری، این امر نشان‌دهنده‌ی علاقه مودودی به نظام‌مند و قانون‌پذیر نمودن تاریخ براساس دیدگاه مذهبی است. در چنین رویکردی نویسنده به ساماندهی ایدئولوژیک تاریخ نیازمند خواهد بود؛ بنابراین بررسی رویکرد ایدئولوژیک مودودی در ارتباط با سیره‌نگاری انتقادی بسیار مهم و ضروری است.

#### ۴. کارکردهای ایدئولوژیک در سیره‌نگاری

مؤلفه دیگر سیره‌نگاری مودودی، توجه به ابعاد ایدئولوژیک و کاربست آن در تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۲۷

عصر نبوی است. مودودی سه کارکرد اساسی ایدئولوژی شامل اسطوره‌سازی، مشروعیت و یکپارچه‌سازی را در تحریر سیره نبوی مورد استفاده قرار داد. در باب اسطوره‌سازی سه مفهوم اساسی مورد توجه مودودی بود. تأکید بر صفات بشری پیامبر اکرم(ص) که ریشه‌ای قرآنی داشت. دوم نقل معجزات پیامبر اکرم(ص) و سوم اختصاص دادن بخشی از سیره‌نگاری به مقوله‌بندی تعلیمی و تربیتی تاریخ عصر نبوی.

مودودی در این بخش توجه بی‌نظیری به بشر اعلام نمودن رسول اکرم(ص) و تمامی پیامبران الهی داشت. این امر در ظاهر مخالف اسطوره‌سازی و تمایل وی به نشان‌دادن واقعیت است؛ لیکن در بعد ایدئولوژیک منظور از اسطوره‌سازی تمایل به ایجاد الگو و اسوه‌ای بی‌مانند فهم می‌شود که هدف آن ایجاد هاله‌ای از قدسیت در اطراف فرد مورد نظر است.

مودودی برای یکپارچه‌سازی جامعه به الگویی کامل و قابل دسترس نیازمند بود، لذا تأکید مودودی بر بشربودن رسولان، نه از جنبه اعتقادی، بلکه از جهت ایدئولوژیک نشانگر معرفی الگویی دسترس‌پذیر برای ایجاد جامعه‌ای یکپارچه تلقی خواهد شد. بنابر روایت قرآن جوامع اولیه برای هدایت الهی، انتظار نزول فرشتگان یا موجودات غیرانسان داشتند (مودودی، ۱۹۸۹: ۳۲۱/۱-۳۲۳).

این خواسته درحقیقت موجب الگوناپذیری پیامبری می‌شد که هدف اصلی آن ارائه نمونه‌ای قابل باور از هدایت الهی در لباس غیرانسانی می‌گردید، لذا مودودی بر این باور است که دیدگاه مذکور از افکار جاهلانۀ اقوام قدیمی نشئت می‌گرفت که تا زمان نوح نبی امتداد داشت (همان: ۳۱۹).

مودودی در گام دوم برای ارائه اسطوره و الگویی نظام‌مند از رسول اکرم(ص) به مسئله معجزات توجه نشان داد. این امر در سیره‌نگاری وی در دو بخش کلی مورد توجه قرار گرفت. بخش اول صورت‌بندی اعتقادی و کلامی معجزه الهی و ارتباط آن با بشر بودن انبیا است. احتمالاً در جوامع اولیه به دلیل ناممکن بودن وقوع معجزات از ناحیه انسان عادی، بشر انگاشتن فرستادگان را منکر بودند؛ از این رو مودودی با تأکید بر بشربودن انبیا، می‌بایست دلایل عقلایی محکمی برای معجزات از ناحیه بشری معمولی ارائه می‌داد.

کلیت سخن مودودی بر این ادعا است که برای فهم معجزات، می‌بایست مفهوم قدرت مطلق الهی در رویکرد بشر نهادینه گردد. براساس این رویکرد نظم طبیعی و قانون فطرت خود دلیلی بر اعجاز مکرر است (همان: ۳۸۳-۳۸۲). در حقیقت مودودی بر آن است تا اتفاقات غیرمعمول یا معجزات را نیز براساس علم و قدرت الهی ممکن و دارای تبیین علمی بداند. درواقع معجزات در برابر علمی بودن و ممکن بودن آنان لحاظ نمی‌شد و تنها صورت‌هایی

۱۲۸ / نسبت سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم(ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه‌قاره هند... / حیدر نژاد

از امور طبیعی بودند که در شرایط خاص و با قدرت الهی امکان‌پذیر می‌گردیدند. بخش دوم اسطوره‌سازی در باب معجزات الهی ارائه داده واقع‌های عمدتاً قرآنی از وقوع معجزات است. از این منظر وی فهرستی از معجزات انبیای پیشین مانند صالح، موسی، ایوب، ابراهیم و سلیمان را ارائه داد (همان: ۳۹۲-۳۸۴).

هدف اصلی از این امر اثبات تاریخی بودن وقوع معجزات و تخیلی نبودن گزاره‌های کلامی و عقلی است. در نهایت مودودی برای کامل‌گردیدن چهره اسطوره‌ای از پیامبر اکرم(ص) به مقوله‌بندی تاریخی از تعلیمات اخلاقی وی پرداخت. مودودی معتقد است، مهم‌ترین دلیل زوال امت اسلامی بردگی فکری و اخلاقی است.

این معنا در قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته و تقلید کورکورانه، کبر و غرور، تمایل به خواهش‌های نفسانی و قیاس و گمان را از دلایل هدایت‌ناپذیری امم سالفه دانسته است (همان: ۳۹۷-۳۹۲). وی سپس بر آن است که چهار صفت اصلی برای هدایت یافتن امم که در سیره رسول اکرم(ص) قابل مشاهده است، عبارت‌اند از ایمان، صبر، حسن عمل و توصیه به حق (همان: ۴۳۸-۴۳۷).

همان‌طور که بیان شد، دومین کارکرد ایدئولوژی ایجاد مشروعیت سیاسی است. مودودی بخش قابل توجهی از کتاب سیرت سرور عالم را به این امر اختصاص داده است. به دلیل رویکرد سیاسی مودودی، تبیین تاریخی وی از سیره نبی اکرم(ص) در جهت ایجاد الگوی مناسب به منظور بهره‌گیری از مفاهیم دینی برای تشکیل حاکمیت اسلامی است.

مودودی در راستای ایجاد این تفکر، دو رهیافت در پیش گرفت. رهیافت اول تبیین جایگاه پیامبر اکرم(ص) به عنوان اسوه ایجاد حاکمیت سیاسی بود. وی بر آن است که جایگاه پیامبر اکرم(ص) تنها به عنوان رساننده پیغام وحی نیست و باید آن را در چارچوب رهبری، فرمانروا، مقنن قوانین، قاضی، معلم و مربی و واجب‌التقلید نگریست (همان: ۲۴۲/۱).

هرچند مودودی پیامبر اکرم(ص) را در وهله اول رسول دانسته و معتقد است که امارت یافتن پیامبر اکرم(ص) از جانب الهی و بنابر اصل مشورت اتفاق افتاده است. وی با تطبیق اصل مشورت و دموکراسی در حقیقت در تلاش است تا گذشته تاریخی را به نمونه عملی برای دنیای امروز تبدیل نماید (همان: ۲۴۳)، اما در رهیافت دوم توجه مودودی به مفهوم جاهلیت جالب توجه است.

تبیین مودودی از مفهوم جاهلیت و تطبیق آن با زمانه خویش، بیانگر تلاش وی برای ایجاد حاکمیت آرمانی براساس سیره نبوی است (همان: ۳۶۰/۱-۳۵۴). دستیابی به این هدف نیازمند آن بود تا تفکرات سیاسی رقیب به عنوان نقطه مقابل سیره نبوی صورت‌بندی شود؛ بنابراین

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۲۹

مودودی بخشی از سیره را به اعمال مشرکین در دوران جاهلیت و تبیین سیاسی از آن اختصاص داد (همان: ۱۹۲ / ۲).

سومین کارکرد ایدئولوژی یعنی یکپارچه‌سازی در تبیین مودودی براساس تعریف دشمن و غیریت‌سازی در سیره نبوی و دنیای امروز صورت‌بندی شد. غیریت‌سازی در سیره‌نگاری انتقادی به‌منظور ایجاد هویت مشترک برای جریان ایدئولوژیک کاربرد داشت. مودودی در سیره‌نگاری خویش به دو جنبه از امر هویتی توجه نشان داد.

تلاش وی در جهت تبیین تاریخی اتصال حلقه انبیا و نشان‌دادن سیره پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان میراث مشترکی برای کل بشر (همان: ۱۵۷/۱) نشانگر اهمیت ایجاد هویت تاریخی برای جریان مذهبی مسلمان در شبه قاره هند است.

### نتیجه‌گیری

جامعه علمایی شبه‌قاره هند در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی، دارای ابعاد زاینده و رشد افکار و اعتقادات علمی و اعتقادی بود. یکی از جنبه‌های زاینده‌گی جامعه علمایی توجه به سیره‌نگاری پیامبر اکرم (ص) و ایجاد گونه‌های نوین در تحلیل تاریخی بود. قبل از سید احمدخان، سیره‌نگاری در بعد توصیفی رشد فزاینده‌ای داشت که عموماً بر محور توصیف امر واقع تأکید نمود. پس از ایجاد احزاب سیاسی و شکل‌گیری گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا در شبه قاره هند، گونه‌ای نوین از سیره‌نگاری ایجاد شد که می‌توان آن را با عنوان سیره‌نگاری انتقادی شناساند.

ویژگی اصلی سیره‌نگاری انتقادی، پایبندی به تفکر تاریخی‌گری، ایدئولوژی سیاسی و استفاده از رهیافت ادبی در تبیین فقرات سیره‌نگاری بود. یکی از اولین جریانات سیاسی که در این راستا به فعالیت پرداخت، حزب جماعت اسلامی و بانی آن ابوالاعلی مودودی است. وی در قالب نگارش کتاب سیرت سرور عالم یکی از اولین متون سیره‌نگاری انتقادی را نگارش نمود. تلاش ابوالاعلی مودودی این بود که با تبیین ایدئولوژیک از سیره نبوی (ص) زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد حاکمیت سیاسی اسلام را فراهم نماید. مودودی در تبیین خویش، طرح‌واره منصب نبوت را به‌گونه‌ای تشریح نمود تا به‌عنوان الگویی در جهت برنامه الهی برای تاریخ بشر به نظر آید. وی مرحله‌مندی تاریخ بشر را با استفاده از بعثت انبیا و طرح عصر جاهلی تثبیت نمود و به‌منظور ارائه نمایی پیش‌بینی‌پذیری تاریخ به بحث پیش‌گویی‌های قرآن، روایات، تورات و انجیل ورود نمود.

وی در سیره‌نگاری خویش توجه خاصی به ایدئولوژی اسلام سیاسی داشت و در قالب سه

۱۳۰ / نسبت سیره‌نگاری انتقادی پیامبر اکرم(ص) و ایدئولوژی اسلام سیاسی در شبه‌قاره هند... / حیدر نژاد

کارکرد اساسی ایدئولوژی طرح خود از سیره پیامبر اکرم(ص) را تحریر نمود. در کارویژه اسطوره‌سازی، تلفیق اثبات بشر بودن رسولان و اثبات معجزات الهی به الگویی جالب توجه از انسان قدسی و دسترس پذیر منجر شد. همچنین در سطح مشروعیت سیاسی تلاش بسیاری به منظور ارائه سیرت سیاسی نبی اکرم(ص) به عنوان الگویی برای دنیای امروز و صورت‌بندی الگوهای رقیب در قامت مفهوم جاهلیت بود. کارکرد یکپارچه‌سازی در چارچوب تفهیم غیریت‌سازی در عصر نبوی براساس ارائه طرح جاهلیت و ایجاد هویت مشترک برای همه انبیا و مؤمنان در طول تاریخ بشر ارائه شد. تلاش مودودی برای تبیین قرائت ایدئولوژیک از سیره نبوی در حقیقت بیانگر کارکردهای فهم ایدئولوژی اسلام سیاسی در چارچوب سیره‌نگاری انتقادی در جهت تشکیل حکومت و جامعه اسلامی بود؛ بنابراین عموم تفکر وی در جهت‌دهی به تاریخ زندگانی پیامبر اکرم(ص) به منظور تأیید و الگویی تاریخی برای حاکمیت سیاسی در جهان اسلام اتفاق افتاد.

## منابع

انجیل یوحنا

تورات

- ابن هشام (۱۴۱۰) *السیره النبویه*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۶) *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت.
- اسلم سلیمی، چوهدری محمد (۱۹۹۰) *روداد جماعت اسلامی*، لاهور: ناشر نویسنده.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۹) *صوفیسم و تائوئیسم*، ترجمه محمدجواد گوهری، تهران: روزنه.
- ایگرس، گئورگ (۱۳۹۶) *تاریخ‌نگاری در قرن بیستم*، ترجمه محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- بشیری، حسین (۱۳۷۶) *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: نی.
- ترابی، الیف‌الدین (۱۴۰۳/۱۴۰۲) *الاستاذ المودودی و منهجه فی تفسیر قرآن کریم*، رساله علمیة الماجستير فی الكتاب و السنه، مکه: جامعه ام‌القری.
- حیدر نژاد، یوسف (۱۳۹۹) *فعالیت‌های سیاسی اجتماعی حزب جماعت اسلامی پاکستان (۱۹۱۹-۱۹۴۱)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰) «جایگاه امر قدسی در جریان تاریخ‌نگاری مدینه و عراق»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهرا (س)، ۳۱(۲۸)، صص ۱۰۰-۲۸.
- Doi: 10.22051/hph.2023.41879.1632
- الرحمن، سیدعزیز (۲۰۱۲) «بیسویں صدی مین اردو سیرت‌نگاری کی مناہج و اسالیب»، اسلام‌آباد: فکر و نظر، جلد ۴۹، (۲-۳)، صص ۸۴-۴۱.
- ریکور، پل (۱۳۸۱) «ایدئولوژی و اتوپیا»، ترجمه احمد بستانی، *نامه مفید*، (۳۲)، صص ۸۹-۸۰.

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۱۳۱

سلیمانی، محمد احسان الحق (۱۹۹۳) رسول مبین، لاهور: مقبول آکادمی.  
شکیل، شاه مصباح‌الدین (۱۹۸۸) سیرت احمد مجتبی، کلکنه: اعجاز پرنترز.  
عالمی، خدیجه؛ بابایی، علی (۱۴۰۱) «نقش جنبش ادبیات اسلامی در رویارویی با رویکردهای فمینیستی در پاکستان (۱۹۵۳-۱۹۴۸م)»، هفتمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام.  
کاشی، عبدالرزاق (۱۳۷۶) اصطلاحات صوفیه، با ترجمه و شرح از محمدعلی مودود لاری، تهران: چاپ گل بابا سعیدی.

کاندهلوی، محمدادریس (۱۹۳۲) سیرت مصطفی، کراچی: کتب‌خانه مطهری.  
گیلانی، سید اسعد (۱۳۹۴) سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه نذیر احمد اسلامی، تهران: احسان.  
مودودی، ابوالاعلی (۱۳۴۴) برنامه انقلاب اسلامی، ترجمه سید غلامرضا ساعدی، تهران: اتحاد.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۵۲) تئوری سیاسی اسلام، ترجمه محمد مهدی حیدرپور، تهران: بعثت.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) مفاهیم اساسی در خطبه‌های نماز جمعه، ترجمه آفتاب اصغر، تهران: احسان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) اصطلاحات چهارگانه در قرآن، ترجمه سامان یوسفی نژاد، تهران: احسان.  
\_\_\_\_\_ (۱۹۸۹) سیرت سرور عالم، لاهور: اداره ترجمان القرآن لمیتد.  
\_\_\_\_\_ (۱۹۹۰) اسلامی ادب، دهلی: مکتبه مرکز اسلامی دهلی.  
\_\_\_\_\_ (۱۹۹۶) الجهاد فی الاسلام، لاهور: اداره ترجمان القرآن لمیتد.  
\_\_\_\_\_ (۱۹۹۹) دعوت اسلامی اور اس کی مطالبات، لاهور: اسلامک پبلیکیشنز.  
\_\_\_\_\_ (بی تا) تفهیم القرآن، لاهور: اداره ترجمان القرآن.

نظری، علی اشرف (۱۳۸۹) «تاریخ‌نگاری، ایدئولوژی‌پردازی و ضرورت تولید اندیشه بومی: آینده اندیشه سیاسی غرب در ایران»، پژوهش سیاست نظری، (۸)، صص ۲۲-۱.

Popper, Karl Raimund (2002) *The Poverty of Historicism*, London: Psychology Press  
Gellner, Ernest (1964) *Thought and Change*, London, Weidenfell & Nicolson.  
Gramsci, A (1995) *Future Selections from the Prison Notebooks*, Ed tr, Boothman, London, Lawrence and Wishart  
Lehman, Jennifer M (1993) *Deconstructing Durkheim*, London, Routledge  
Peile, John (1880) *Philology*. Macmillan and Co.  
Ricoeur, P (1986) *From text to Action*, Ed, G.H. Taylor, New York, Colombia University Press.  
Saussure, Ferdinand de (2006) *Writings in general linguistics*, Oxford University Press.  
Von Ranke, Leopold (1973) *The theory and practice of history (The European historiography series)*, Editor Georg G. Iggers, Translator Konrad von Moltke and Wilma A. Iggers, Bobbs-Merrill.

**List of sources with English handwriting**

- Alemi, khadijeh& Babaei, Ali (2023) " The Role of the Islamic Literature Movement in Confronting Feminist Approaches in Pakistan (1948-1953)", 7th International Conference on Language and Literature Studies in the Islamic World. [In Persian]
- Aslam Salimi, Chaudhry Mohammad (1990) Rodād jamā't-e-Eslīmī, Lahore: Publisher Author. [In Urdu]
- Bashiriyeh, Hossein (1997) A history of Political thought in twentieth century, Tehran: Ney. [In Persian]
- Gellner, Ernest (1964) Thought and Change, London: Weidenfell & Nicolson.
- Georg G. Iggers (2018) Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern, translated by Mohammad Ebrahim Baset, Tehran: Samt. [In Persian]
- Gilani, Saeed Asad (2016) A look at the circumstances, works, and thoughts of Seyyed Abul al-A'lā Maudūdī, translated by Nazir Ahmad Eslami, Tehran: Ehsān. [In Persian]
- Gramsci, A (1995) Future Selections from the Prison Notebooks, Ed tr, Boothman, London: Lawrence and Wishart
- Heydarnezhad, Yosof. (2021). "The position of the holy matter in the historiography of Medina and Iraq", Historical Perspective & Historiography, Vol 31, No 28, pp 81-100. DOI: 10.22051/hph.2023.41879.1632. [In Persian]
- Heydarnezhad, Yosof, (2021) Political and Social Activities of the Jamaat-e-Islami in Pakistan (1947-1988), Master's thesis, Tehran: University of Tehran[In Persian]
- Ībn Hišām,(1989) Al-Sīrah al-Nabawīyah ,Omar Abdel Salam Tdmery , Beirut: dār ul-Kītāb al-Arabī[In Arabic]
- Izutsu, Toshihiko (2000) Sufism and Taoism, translated by Mohammad Javad Gohari, Tehran: Rūzaneh. [In Persian]
- Kandhalvi, Mohammad Idris (1932) Sīrat-e Moṣṭafā, Karachi: Moṭaharī Library. [In Urdu]
- Kāšī, 'Abdolrazzāq (1998), Eṣṭelāhāt-e sofiyyeh, translated and commented by Mohammad Ali Maudood Lari, Tehran: Gol Bābā Sa'eedī Press. [In Persian]
- Lehman, Jennifer M (1993) Deconstructing Durkheim, London: Routledge
- Maudūdī, Abul A'la (.n.d) Tafhim al-Qur'an, Lahore: Idara-tarjuman-al-quran. [In Urdu]
- Maududī, Abul A'la (1966) Program of the Islamic Revolution, translated by Syed Gholamreza Saedi, Tehran: Ittehad. [In Persian]
- Maududī, Abul A'la (1974) Political Theory of Islam, translated by Mohammad Mehdi Heydarpour, Tehran: Be'sat. [In Persian]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (1989) Sīrat-e Sarvar-e 'Alam, Lahore: Īdāra-Tarjōmān-al-Quran. [In Urdu]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (1990) Eslāmī Adab, Delhi: Maktaba Markaz Eslāmī Delhi. [In Urdu]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (1996) al- jīhād fī al-Islam, Lahore: Īdāra-Tarjōmān-al-Quran. [In Urdu]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (1999) Da'vat-e Eslāmī-or-os-k-Moṭālebāt, Lahore: Islamic Publications Pvt Ltd. [In Urdu]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (2010) Basic concepts in Friday prayer sermons, translated by Aftab Asghar, Tehran: Ehsān. [In Persian]
- Maūdūdī, Abūl al-A'lā (2011) Four basic Qur'anic terms, translated by Saman Yousefi-Nezhad, Tehran: Ehsān. [In Persian]
- Nazari, Aliashraf (2011) "Historiographical & Ideological Approaches and Publicizing Indigenous Thought: Future of Western Political Thought in Iran", research in Theoretical politics, Number 8, pp 1-22. [In Persian]
- Peile, John (1880) Philology. Macmillan and Co.
- Popper, Karl Raimund (2002) The Poverty of Historicism, London: Psychology Press
- Ricoeur, P (1986) From text to Action, Ed, G.H. Taylor, New York, Colombia University Press.
- Ricoeur, P (2003) "Ideology and Utopia" Translator Ahmad Bostani, Nameh Mofid, Vol 32, No 3, pp 80-89.

- Saussure, Ferdinand de (2006) Writings in general linguistics, Oxford University Press.
- Shakeel, Shah Misbahuddin (1988) Sīrat Ahmad Mojtābā, Calcutta: E'jāz Printers. [In Urdu]
- Soleimani, Mohammad Ihsan-al-Haq (1993) Rasūl Mobīn, Lahore: Maqbool Akademi. [In Urdu]
- Stanford, Michael (2007) A companion to the study of history, translated by Masoud Sadeqi, Tehran: samt. [In Persian]
- Seyyed Azizur Rehman, (2012) " The methods and styles of Urdu biography in the twentieth century", Fikr-o Nazar, Vol 49, No 2-3, pp 41-84. [In Urdu]
- Torabi, Alif al-Din (1981), Professor Mawdudi and his approach to interpreting the Holy Qur'an, Master's thesis in the Qur'an and Sunnah, Mecca: Umm al-Qura University. [In Arabic]
- Von Ranke, Leopold (1973) The theory and practice of history (The European historiography series), Editor Georg G. Iggers, Translator Konrad von Moltke and Wilma A. Iggers, Bobbs-Merrill.



©2024 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



**The relationship between the critical biography of the Holy Prophet (PBUH) and the ideology of political Islam in the Indian subcontinent (Case study: Abul-A'la Maududi's opinions)<sup>1</sup>**

Yusof Heydarnezhad<sup>2</sup>

Received: 2024/09/26  
Accepted: 2025/02/27

**Abstract**

At the beginning of the 20th century, the scholarly community of the Indian subcontinent witnessed the formation of a new type of biography of the Holy Prophet (peace be upon him). From the advent of Islam to the 20th century, biographies written in the Indian subcontinent had elements of descriptive and narrative historiography. With the emergence of Islamist political parties and movements, their attention to the biography of the Holy Prophet (PBUH) led to the creation of a new style in this field, which can be called critical biography. The most important component of this new style is its connection with the political thought of Islamist parties. As the founder of the Jamaat-e-Islami party, Abul A'la Maududi is considered one of the most important critical biographers of the subcontinent. Therefore, one should ask what is the relationship between the critical biography of the Holy Prophet (PBUH) and Islamic political ideology. The claim, using historical analysis, is that Abul A'la Maududi, using the three components of prophethood, phasing, and anticipating acceptance of the status derived from the life of the Holy Prophet (PBUH), develops the history of human society into an ideological reading. The achievement of Maududi's critique of biography using the three functions of mythmaking, legitimization, and integration provides grounds for consolidating the position of the ideology of political Islam in Pakistan through the application of research conducted.

**Keywords:** Critical biography, Historicism, Political ideology, Abul A'la Maududi.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2025.48353.1753

2. PhD student of Islamic history, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran: headarnejad.y@ut.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507